فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی – دانشکده علوم انسانی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج – سال سوم / شماره ۷ / تابستان ۱۳۹۰

# نقد جامعه شناختی رمان «سفر» محمود دولت‌آبادی

**جمال ادهمی**[۱]
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج(نویسنده‌ی مسئول)
**پرویز جهانگیری**
دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس
**چنور دیداری**
دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۲۲ * تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۲۸

## چکیده
مقاله‌ی حاضر به نقد جامعه شناختی رمان«سفر» می پردازد، نقد جامعه شناختی رمان به عنوان گرایش مهمی در جامعه شناسی ادبیات، به تعامل رمان و جامعه و تأثیر متقابل آن دو بر یکدیگر می پردازد. در نخستین رمان های فارسی«از دوره مشروطه» تا رمان های اخیر«دوره معاصر»، بین ساختار و محتوای رمان فارسی و جامعه ایرانی همواره رابطه معین وجود داشته است بنابراین با پیچیده‌تر شدن روابط حاکم بر جامعه ایرانی در عرصه های اجتماعی- سیاسی و فرهنگی، ساختار رمان فارسی نیز به سمت واقع گرایی انتقادی تمایل بیشتری پیدا کرده است. در رمان

[1] - Email: adhamister@gmail.com

Archive of SID
www.SID.ir

سفر به عنوان اثری که حاصل تحولات دوره گذار است نویسنده با انتخاب زندگی یک خانواده معمول حاشیه شهری ابعاد تراژیک این طبقه اجتماعی را در اثر آن تحولات ترسیم می کند. بنابراین در این جستار ابتدا به نظریه های مسلط و رایج در باب نقد جامعه شناختی اشاره شده است، سپس براساس شواهدی از رمان سفر با روش اسنادی به تحلیل نظری- استنباطی آن پرداخته است.

**واژه‌های کلیدی**:
نقد ادبی، جامعه شناسی ادبی، نقد جامعه شناختی، دولت آبادی، رمان «سفر».

## مقدمه

نقد جامعه شناختی آثار ادبی، روشی است که به تحقیق و بررسی درباره طبقات مختلف جامعه و طرز رفتارها و کنشهای متفاوت و متشابه ساختارهای اجتماعی در دوره معینی از تاریخ می پردازد. «در این شیوه نقد، اثر ادبی از این دیدگاه که اجتماع و هنرمند و اثر او با یکدیگر رابطه ای زنده و جدایی ناپذیر دارند، مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد. بنابراین منتقد به دقت از زمان و مکانی که نویسنده در آن زیسته و اثر ادبی در آن بوجود آمده، آگاهی کامل به دست می آورد، تا بتواند اثر را به منزله واکنش روحیه هنرمند نسبت به جامعه و برداشت های او از محیط مورد مطالعه قرار دهد» (میرصادقی،۱۳۷۷:۲۶۷). بطور خلاصه در نقدجامعه شناختی به تأثیرات متقابل جامعه و رمان بر یکدیگر وتأثیر عوامل متعدد در شکل‌گیری رمان پرداخته می‌شود. انتقاد از اوضاع آشفته اجتماع سال های منتهی به مشروطه، از عمده‌ترین موضوعات و درون‌مایه‌های ادبیات عصر مشروطه و سال‌های بعد از آن بوده است.

از مشروطه به این سو به دلایل متعدد چون رواج دیوان سالاری، ورود مظاهر فرهنگ و تمدن غرب، گسترش شهرنشینی و... مسائل و مشکلات فراوانی در اجتماع ایران به وجود آمد؛ رمان فارسی به انعکاس این مسائل و مشکلات و گاهی به ارائه راه حل‌هایی برای آن‌ها پرداخته است که «سیاحت نامه ابراهیم بیگ»، «یکی بود و یکی نبود»جمالزده،

Archive of SID

www.SID.ir

«تهران مخوف» مشفق کاظمی مهم‌ترین رمان هایی هستند که به توصیف واقع گرایانه زندگی و اجتماع این دوره پرداخته اند.

محمود دولت آبادی نیز یکی از نویسندگانی است که در حیطه رئالیسم انتقادی و نگاه اجتماعی، آثار مهمی را در حوزه ادبیات اقلیمی خلق کرده و مسئله مدرنیزاسیون و تأثیر آن بر زندگی مردم و تأثیر اصلاحات ارضی بر زندگی روستاییان را با بینش هنری والایی بیان کرده است.

در مقاله حاضر بعد از تعریف نقد جامعه شناختی و ارائه معیارهای نقد جامعه شناختی رمان و معرفی رمان «سفر» محمود دولت آبادی، با بهره‌گیری از نظریه های جامعه شناسی رمان به نقد و بررسی این رمان پرداخته می شود.

## جامعه شناسی ادبی:

ماده اصلی ادبیات، زبان است و زبان در ارتباط انسانها باهم ساخته می شود و رو به تکامل می نهد. پس می توانیم ادبیات را به اعتبار ماده اصلی آن که زبان است ذاتاً اجتماعی بدانیم. علاوه بر زبان «شگردهای ادبی سنتی مثل مجموعه نمادها و وزن در ذات خود اجتماعی هستند، قراردادها و روالهایی که فقط در جوامع بشری زاده می شوند»(رنه ولک، ۱۳۷۳: ۹۹).

پیشینه بحث رابطه جامعه و ادبیات به زمان های دور می رسد ولی در سده نوزدهم بود که اولین پایه های علم مستقل جامعه شناسی ادبیات بنیان گذاشته شد. «در سده نوزدهم منتقدانی مانند مادام دواستال، اپیولیت تن و فیلسوفانی مانند هگل و مارکس و بعدها لوکاچ و گلدمن اصولی را طرح کرده اند که تمام تحولات بعدی، آگاهانه یا ناآگاهانه، تابع آنهاست»( ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۹۹–۹۸).

اپیولیت تن به ارتباط بلافصل ادبیات با جامعه معتقد بود و در این مورد جزمیت بسیاری از خود نشان داد. از نظر وی «ادبیات بازتاب آداب و رفتار و خلقیات عصر نویسنده است. آثار ادبی نتیجه تعامل سه دسته عوامل اند: زیستی، فرهنگی و تاریخی، عوامل زیستی در نژاد، فرهنگی در محیط و تاریخی در زمان بروز می کنند»(علایی، ۱۳۸۰: ۲۵– ۲۳).

با گذر از قرن نوزدهم و نظریات منتقدانی که مادام دواستال و اپیولیت تن پیشروترین آنان بودند به قرن بیستم می رسیم که تحت تأثیر عقاید مارکس، مارکسیسم بر بخش مهمی از نظریات ادبی و جامعه شناختی قرن بیستم مسلط شد. از دیدگاه مارکسیستی ادبیات

Archive of SID
www.SID.ir

گزارشگر صریح واقعیت اجتماعی است. این نگاه جبرگرایانه بخش زیبایی شناختی اثر ادبی را نادیده می گیرد رسالت آن را به انتقال آگاهی اجتماعی محدود می سازد. در این رویکرد ادبیات را نویسندگانی خلق می کنند که خود را عضوی از طبقه پرولتاریا و در خدمت آگاهی بخشی به آن طبقه می دانند.

به طورکلی می‌توان گفت که جامعه شناسی ادبی در دو رویکرد عمده قابل بررسی است: رویکرد اول، «جامعه شناسی ادبیات» است که به مقوله ادبیات به عنوان فرایندی عمدتاً اقتصادی می نگرد و روابط حاکم بر چرخه اقتصاد را بر عالم ادبیات تطبیق می دهد. در این رویکرد اثر ادبی به مثابه کالایی اقتصادی تلقی می شود که از سوی افرادی تولید می شود که نویسندگان و شاعران در رأس آن قرار دارند. ناشر واسطه بین تولید کننده و مصرف‌کنندگان است. مصرف کنندگان، مخاطبان و خوانندگان آثار ادبی هستند که ممکن است سلیقه های خود را هم بر تولیدکننده– خالق اثر ادبی– و هم بر توزیع کننده –ناشر– تحمیل کنند؛ ضمن اینکه خوانندگان خود نیز در موارد زیادی از سوی ناشر و خالق آثار ادبی تحت تأثیر قرار می گیرند و سلیقه آنان را بر ذوق خود تحمیل می کنند. که روبراسکارپیت، دارای چنین رویکردی به ادبیات است.

رویکرد دوم، با عنوان «جامعه شناسی ادبی» شناخته شده است و لوکاچ و گلدمن برجسته‌ترین نظریه پردازان آن محسوب می شوند. در این رویکرد ضمن توجه به جنبه اقتصادی خلق اثر ادبی و فرایند پذیرش آن از سوی خوانندگان، توجه عمده به بررسی محتوای اثر ادبی و رابطه آن با جامعه‌ای است که در آن خلق شده است. این رویکرد در مراحل پیشرفته خود سعی در تطبیق جهان بینی یا جهان نگری موجود در یک جامعه و در عصری معین با فرم و محتوای آثار ادبی و هنری خلق شده در آن جامعه و دوران دارد.

اریش کوهلر، در مقام مقایسه این دو نوع نگرش می گوید: «جامعه شناسی ادبی را باید از جامعه شناسی ادبیات متمایز کرد. جامعه شناسی ادبیات اساساً به بررسی تجربی گرایش دارد و از رشته های فرعی جامعه شناسی است و روش های آن را به کار می‌گیرد. در مقابل، جامعه شناسی ادبی روشی است مربوط به علم ادبیات و ما آن را علم تاریخی– جامعه شناسی ادبیات– تعریف می کنیم. بن‌انگاره اساسی این علم آن است که هر جامعه شناسی ادبی باید به طور تاریخی عمل کند و هر تاریخ ادبیات نیز به طور جامعه شناختی».(کوهلر، ۱۳۷۷: ۲۳۶).

Archive of SID
www.SID.ir

## نظریه های نقد جامعه شناختی رمان:

تاریخ پیدایش رمان به تاریخ تحولات اجتماعی عصر رنسانس باز می گردد. بنابراین پیدایش نوع ادبی رمان تحت تأثیر شرایط اجتماعی خاصی صورت گرفته و سپس خود اجتماع نیز از رمان و اندیشه های رمان نویسان متأثر شده است. در واقع رمان با آفرینش ایده ها و ارزش های نوین، باعث تغییراتی در جامعه اروپایی پس از رنسانس شد. بهترین نمونه این رابطه متقابل میان جامعه و رمان را در«دون کیشوت» اثر سروانتس می توان یافت. در واقع«زمانی که نظام قدیم ارزشها که خیر و شر را از یکدیگر جدا می ساخت و به هر چیز معنای خاص خودش را می داد، به آرامی از صحنه بیرون می رفت، دون کیشوت از خانه اش به درآمد»(کوندرا، ۱۳۷۲: ۴۴-۴۳).

آرنولد کتل و ایان وات از پیشگامان عرصه بررسی رابطه رمان با تحولات اجتماعی محسوب می شوند. از دیدگاه اینان رمان زمانی به رشد حقیقی دست یافت که بشر به آگاهی از ایده «جامعه» دست پیدا کرد و به همین دلیل توصیف تصویر جامعه در رمانهای قرن ۱۹ نقش مرکزی و برجسته ای دارد. میشل بوتور نیز معتقد است که رمان باعث آگاهی و وقوف به واقعیت جهان می شود و از حد انعکاس ساده حقایق جامعه فراتر می رود(بوتور، ۱۳۷۹: ۵۶).

برای آغاز بحثی جدی در باب نظریه های نقد جامعه شناختی رمان، ابتدا به نظریه مادام دواستال بطور خلاصه اشاره می کنیم. مهم‌ترین نظریات وی به این قرار است: الف) میان ادبیات به عنوان آفرینشی هنری با نهادهایی نظیر دین، سیاست، اقتصاد و قراردادهای اجتماعی نظیر آداب و رسوم بومی و قوانین مدنی همواره ارتباط برقرار است؛ ب) در هر زمانه ای گرایشهای ادبی و هنری و نیز ذوق و سلیقه مخاطبان و خوانندگان ادبیات، تحت تأثیر شرایط و اوضاع اجتماعی خاصی شکل می گیرد. در آثاری که در چنین اوضاع اجتماعی به وجود می‌آید می توان نوعی نگرش و جهان بینی مسلط یافت که این همان «روح زمانه» است. ج) اصطلاح دیگری که در آثار دواستال به کار رفته است، «روح قومی» است. منظور او از روح قومی تجلی ویژگیهای ملی، زبانی، شیوه زندگی، موقعیت جغرافیایی و آداب و رسوم هر ملت در آثار ادبی آن ملت است.

روبر اسکار پیت از برجسته ترین محققان در عرصه جامعه شناسی ادبیات است که به بررسی پدیده های ادبی به عنوان مقولاتی اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد. مهم‌ترین

Archive of SID
www.SID.ir

نظریات او در این مورد به قرار زیر است: الف) ادبیات هر قدر هم جنبه معنوی داشته باشد در فرایندی اجتماعی خلق و عرضه می شود. زبان که وسیله ای است برای برقراری رابطه اجتماعی، ماده اصلی ادبیات است و بنابراین ادبیات ذاتاً اجتماعی است؛ ب) جنبه اقتصادی ادبیات تفاوتی با کالاهای مادی ندارد. همچنانکه بر کالاهای مادی رابطه ای اقتصادی حاکم است، ادبیات هم که عمدتاً در شکل کتاب عرضه می شود به مثابه کالایی تلقی می شود که چرخه عرضه و تقاضا بر آن حاکم است؛ ج) تولید کنندگان آثار ادبی برای آثار خود باید مخاطبان(مشتریانی) بیابند تا به عنوان عضوی مؤثر در جامعه و زندگی اجتماعی به شمار آیند. بنابراین باید با گرایش‌های ادبی و ذوق و سلیقه عمومی خوانندگان خود آشنایی داشته باشند؛ د) توزیع آثار ادبی مثل توزیع هر کالای اقتصادی دیگر به تدابیر خاص نیاز دارد. در چرخه توزیع است که نویسنده به میان مردم می رود و تولیداتش را بر آنها عرضه می کند؛ هـ) مصرف آخرین مرحله در فرایند تولید اقتصادی است. مصرف در چرخه تولید ادبی عبارت است از رسیدن اثر ادبی به دست خوانندگان. خواننده با مطالعه ادبیات به فرایند تولید و عرضه آثار ادبی خاتمه می بخشد.

بنابراین می توان گفت روبر اسکار پیت با جنبه مادی آثار ادبی که به شکل کتاب عرضه می شود سرو کار دارد و به جنبه معنوی، درونمایه و کیفیت ارزشی آن نمی پردازد و به همین دلیل هیچگاه وارد بررسی درونمایه آثار ادبی نمی شود.

همچنین باید از نظریات جورج لوکاچ سخن بگوییم که آغازگر بسیاری از مباحث مهم نقد جامعه شناختی رمان محسوب می شود. لوکاچ حماسه را متعلق به دوران طفولیت بشر می داند؛ دورانی طلایی که فاصله میان انسان و دنیا در حد هیچ است یعنی هیچ مسئله‌ای که به تولد فردی مسئله دار و در تقابل با دنیا منجر شود در آن پیش نمی آید. اما «روح رمان بلوغ مردانه است، و ساختار مشخص مصالح آن گسیختگی و جدایی میان درون بود و ماجراست»(لوکاچ، ۱۳۸۰: ۸۱).

تمام خصوصیات رمان که لوکاچ از آن در نظریه رمان یاد می‌کند، از همان گسستگی تراژیک میان بشر و دنیا سرچشمه می گیرند. همچنین وی از دو نوع رمان در نظریه‌اش نام می برد. نوع اول یا مرحله اول را «ایده آلیسم انتزاعی» می داند. این نوع رمان در برابر گسستگی میان ایده، جان و دنیا قرار می گیرد و سعی می کند آن را تا حدی نادیده بگیرد و امیدوار است که دنیای خارجی پاسخگوی خواسته قهرمان باشد. روابط میان دنیای ذهنی

www.SID.ir

و عینی از مسائل اصلی این رمان‌هاست. جهان نسبت به جان تنگ و جان دچار از خودبیگانگی شده است(همان، ۹۲).

مرحله دوم یا نوع دوم رمان که لوکاچ آن را بررسی می کند «رمانتیسم مأیوسانه» است که بعد از ایده آلیسم انتزاعی و در نتیجه آن پدید آمد. در این دوره جان از هر چه دنیا می تواند به او بدهد، بزرگتر پنداشته می‌شود. واقعیت درونی قهرمان به قدری غنی شده است که با دنیای بیرون رقابت می کند.

بطورکلی نکات عمده در اندیشه های جامعه شناختی لوکاچ درباره ادبیات و خصوصاً رمان عبارتند از: الف) هر جانی، جهان هنری ویژه خویش را می آفریند و شیوه ها متفاوت زندگی، شیوه ها و درونمایه های هنری خاص خود را خلق می کنند؛ ب)میان ساختار درونی اثر ادبی و ساختار ذهنی که خالق آن است رابطه ای دیالکتیکی وجود دارد(لوکاچ، ۱۳۷۸: ۲۲۶)؛ ج) لوکاچ به پیروی از هگل، رمان را حماسه بورژوازی و مهم‌ترین شکل ادبی دوران مدرن می داند و می گوید رمان روح بلوغ مردانه است. برخلاف حماسه که به جمع می پردازد، رمان به دنیای فرد توجه دارد و جهان درونی او را نشان می دهد. از این رو قهرمان رمان نه جمع، بلکه فرد است؛ فردی مسئله دار, د)در جامعه مدرن پدیده شیءوارگی بر همه ارکان و افراد جامعه مسلط است. تقسیم کار و عقلانی شدن آن، بوروکراسی وسیع و اهمیت روزافزون کالا و پول، انسانها را به موجوداتی از خود بیگانه تبدیل کرده است. نتیجه این اوضاع، انزوای پایان ناپذیر فرد در جهان جدید است. این اوضاع موجب پدید آمدن انسان‌هایی مسئله دار می شود که با هر نهاد اجتماعی و تشکیلات جمعی مخالفت می ورزند(لابیکا، ۱۳۷۷: ۲۹۵-۲۹۳)؛

هـ) لوکاچ به تبعیت از اندیشه مارکسیسم، رئالیسم را تنها مکتب بزرگ نویسندگی می داند. مارکسیستها بر جنبه رئالیستی اثر ادبی و تصویرگری مبارزه طبقاتی تأکید می کردند. تحت تأثیر همین دیدگاههاست که لوکاچ به ستایشگر پرشور رئالیسم تبدیل می شود(لوکاچ، ۱۳۷۳: ۲۶-۲۳).

هم‌چنین باید به نظریات لوسین گلدمن هم اشاره کرد که پس از لوکاچ شناخته شده‌ترین محقق در عرصه جامعه شناسی رمان محسوب می‌شود. که خلاصه‌ای از اهم نظریات او به شرح زیر است: الف) قهرمان رمان فردی مسئله دار است که در جامعه ای که ارزشهای کمی نظیر کالا و سرمایه اهمیت اساسی دارد به جست‌وجوی ارزش‌های اصیل، کیفی و

www.SID.ir

راستین بر می آید؛ ارزشهایی چون عدالت، آزادی و عشق. اما جست‌وجوی او اهریمنی و بی حاصل است زیرا خود نیز می داند که در چنین جامعه ای یکبار برای همیشه ارزشهای کمی جانشین ارزشهای کیفی شده اند. بنابراین انزوا و تنهایی و درونگرایی تنها گریزگاه انسان مسئله دار در جامعه مدرن و در عین حال تباه معاصر است(گلدمن، ۱۳۷۱: ۳۲-۲۶)؛ ب)گلدمن به صراحت تمام، فاعل آفرینش های فرهنگی را نه یک فرد، بلکه جهان بینی یک جمع می داند که نویسنده به عنوان فردی برخاسته از میان جمع، به جهان بینی آن جمع شکل هنری ویژه ای می بخشد(همان، ۳۲۲-۳۲۱)؛ ج) آفریننده واقعی آثار هنری طبقات اجتماعی و گروههای مردمی هستند. جهان بینی آنهاست که در اثر ادبی نمود هنری می یابد(لووی و نعیر، ۱۳۷۶: ۴۲)؛ د) مفهوم «جهان نگری» در اندیشه گلدمن به طرز تفکر یک گروه یا ملت در برهه ای از زمان اشاره دارد. هنرمند بزرگ جهان خیالی منسجم و یکدستی می آفریند که در ورای آن جهان نگری اجتماع یا یک گروه اجتماعی قابل مشاهده است. این «جهان نگری» که گلدمن از آن سخن می گوید در حقیقت همان «آگاهی طبقاتی» است که پیش از او لوکاچ از آن سخن گفته بود؛ اما لوکاچ هیچگاه نبوغ و خلاقیت فردی نویسنده و هنرمند را آن‌گونه که گلدمن آنرا نفی می کند، نفی نکرده است(ادوارد سعید، ۱۳۷۷: ۳۲۸)؛ هـ)گلدمن با توجه به اصطلاحات «زیربنا»و «روبنا» در نظریه مارکسیسم، طبقات اجتماعی را زیر بنای جریان های فلسفی، در تولید، ادبی و هنری می شمارد. طبقه اجتماعی در نظرگاه او با سه عامل تشخیص می یابد: نقش در تولید، مناسبات میان دیگر طبقات، و جهان نگری ویژه، به نظر گلدمن نویسندگان عمدتاً تابع نیات و جهان‌نگری همین طبقات اجتماعی هستند(لووی و نعیر، ۱۳۷۶: ۴۳)؛ ل)گلدمن مفهوم «ساختار معنادار» را علاوه بر توصیف وحدت ارگانیک اجزای یک اثر و ارتباط متقابل میان آنها، به معنای ساختار درونی اثر در نحوه انعکاس جهان بینی مستتر در آن نیز به کار می برد. یعنی اینکه «جهان نگری» فلان طبقه یا گروه اجتماعی چگونه در یک اثر ادبی به عنصر سازنده جهان تخیلی متن تبدیل شده است(سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۱۱۵-۱۱۳).

میخائیل باختین، نظریه پرداز بزرگ روسی، نیز نظریات جامعه شناختی خود را درباره ادبیات ابراز کرده است که اهم آنها به قرار زیر است: الف)پدیده هنری در تمامیت خود نه در صورت محض و فرم باقی می ماند و نه در نفسانیات هنرآفرین جای دارد و نه در نفسانیات

www.SID.ir

مخاطبان؛ بلکه هر سه این جنبه‌ها را در بر می‌گیرد. پدیده هنری، صورتی خاص و معین از رابطه متقابل هنرآفرین و مخاطبان در اثر هنری است(باختین، ۱۳۸۰: ۱۰۰-۹۸)؛ ب)زیبایی شناسی رمان در تقابل با ارتباطات ایدئولوژیکی جامعه است. رمان پیش از هر چیز جهانی خود بسنده و تخیلی را می آفریند که ارتباط متقابل میان عناصر و اجرای آن به کلیتی یکدست منجر می شود که همان محتوا، درونمایه و جهان بینی مستتر در رمان است. این درونمایه باید از خود اثر برداشت شود نه از تقابل یا توافق آن با ایدئولوژیهای رایج در جامعه(همان: ۱۰۲-۱۰۱)؛ ج) بررسی ادبیات مستقل از مجموعه فرهنگی یک دوران ناخوشایند است. اما زیان بارتر از آن در تحلیل ادبی این است که ادبیات را در چارچوب دوران آفرینشش محبوس کنیم و بنابراین، در برقراری ارتباط میان محتوای اثر و جامعه معاصر آن افراط کنیم(همان: ۱۵۱-۱۵۰)؛ د)شخصیت در رمان چند آوایی که باختین رمانهای داستایوفسکی را مثل اعلای آن می داند، از اقتدار و تسلط نویسنده رهایی می یابد و با صدا و دیدگاه خویش سخن می گوید. این به معنای آن است که نویسنده به جای اینکه سخنان و اندیشه های خویش را از زبان شخصیتهای رمانهایش بیان کند و به رمان حالتی جزم اندیشانه ببخشد، اجازه می دهد تا شخصیتها نماینده نظرات و دیدگاههای متفاوت در جامعه شوند و نظرگاههای مختلف بدین ترتیب در جهان رمان مجال ظهور بیابد(کریستوا، ۱۳۸۱: ۶۹-۶۷).

میشل بوتور نیز اندیشه های در باب رمان و جامعه شناسی رمان و به ویژه فرد در جامعه و فرد در جهان دارد که برگزیده‌ای از آنها به شرح زیر است: الف)دنیای حماسه، دنیای قهرمانان بزرگ است و افراد فرودست جامعه در آن مجال خودنمایی ندارند؛ ب)در جهان جدید و در شکل ادبی غالب آن که رمان است، فرد عادی و گمنام برای اولین بار با همه جنبه های زندگی خود پا به دنیای ادبیات می گذارد و سرنوشت و شخصیت او برای مخاطبان و خوانندگان ادبیات مهم تلقی می شود؛ ج) رمان عبارت است از بیان جامعه‌ای که تغییر می کند؛ دیری نمی گذرد که بیان جامعه‌ای می شود که آگاهی دارد به اینکه تغییر می کند(بوتور،۱۳۷۹: ۱۲۹-۱۲۸)؛ د) فقط در جامعه توتالیتر است که امکان گفتگو از طریق رمان بین مردم جامعه میسر نمی شود. چنین جامعه ای نمی تواند وجود هنرمند را تحمل کند. زیرا هنرمند کسی است که با هنرش همواره بر ضد سنتهای حاکم که حاکمان جامعه توتالیتر در پی حفظ آن هستند قیام می کند. سنت ادبیات اصیل و راستین از این

Archive of SID
www.SID.ir

نظر، در مبارزه با سنت‌ها و اوضاع راکد و استبداد زده جامعه توتالیتر خلاصه می شود(همان: ۱۳۵-۱۲۹).

برای روشن شدن بحث گزیده‌ای از رمان سفر محمود دولت آبادی آورده می‌شود.

**خلاصه‌ی رمان«سفر»:**

«رمان سفر زندگی مردی را به تصویر می کشد که برای فرار از فقر و بیکاری زندگی‌اش را فنا می‌کند رمان حول محور چند شخصیت اساسی مختار، خاتون، مرحب و شخصیت‌های کم‌رنگ‌تری چون علی، خاور و مشیر می چرخد.

مختار مردی چهل ساله که در کارگاه آهنگری برای سالیان طولانی شاگردی کرده بود استاد آهنگری، استاد صفی دیگر تمایلی برای کار در آهنگری نداشت. کارگاههای آهنگری از رونق افتاده بودند. مختار به دلیل تغییر شغل از کار اخراج می شود وی که سنش بالاست و هیچ مهارتی هم نداشت بر آن می شود تا زنش خاتون و همین طور دختر کوچکش خاور را به دست بی بی مادر زنش بسپارد و خود به منظور یافتن کار راهی کویت شود. چند ماهی سپری می شود و از مختار خبری نمی رسد. خانواده مختار که با مشکلات مالی فراوانی مواجه شده است. در این میان سروکله جوانی مرحب نام که شغلش کارگری است و مدام در سفر است پیدامی شود اما از کجا و پی چه آمده بود؟از هر شغلی تجربه ای داشت اما هیچ جا ماندنی نبود. مرحب، جوان بی نام ونشان تازه به شهر آمده بود در قهوه خانه مشیر در شهر مختار(شهر ری)با علی، جوانکی کم حرف، آشنا شد. مرحب توانسته بود علی کم حرف را به حرف آورد. دوستان خوبی شده بودند. پدر علی به علت ساعات طولانی کار در معدن به شدت بیمار شده بود مدام سرفه می کرد وبه دلیل همین وضع بود که علی به قهوه خانه پناه آورده بود. مدتی از آشنایی آن‌ها گذشت. مرحب دوچرخه ای خریده بود و با علی هر روز به کارخانه می رفتند و روزهای تعطیل پی شرب و خوشگذرانی، اما مدتی بود که مرحب چشم به مسیر راه آهن داشت که هر روز از این مسیر زنی به نام خاتون می‌گذشت و به خانه‌ای تک و دور افتاده در مسیر راه آهن می رفت مرحب خیلی زود دلباخته خاتون(زن مختار) می‌شود. مرحب هر روز در اطراف خانه خاتون که در نزدیک ایستگاه راه آهن ساخته شده است پرسه می‌زند. علی می دانست مرحب مثل همیشه شاداب نیست و عاشق شده است. روزها می‌گذشتند تا اینکه گشتی که در پاسگاه حوالی خانه خاتون، ژاندارم بود شبی دیر هنگام نامه‌ای برای خاتون آورده بود. مختار قرار بود

Archive of SID
www.SID.ir

نامه‌هایش را به آدرس پاسگاه بفرستد که از ۲۱۴ روز پیش تاکنون هیچ نامه‌ای را نفرستاده بود. نامه به خط و نوشته مختار نبود بلکه خبر غرق شدن مختار در دریا بود شیون آن شب تا صبح در خانه خاتون بر پا بود بعد از مدت‌ها انتظار، فضای شب غم آلوده تر و سنگین تر از همیشه و سایه فقر و بدبختی سیاه‌تر از هر زمان برخانه دیده می‌شد. مدتی برهمین منوال گذشت تا عاقبت خبر مرگ مختار، فرصتی به مرد جوان می‌دهد تا خود را به خاتون که خیلی ها به او نظر سوء دارند نزدیک کند. مرحب قصه چند ماه از دور پاییدن خانه را برای خاتون تعریف کرد بعد از آن غم بزرگ دل خاتون روشن شد و عشق مرحب را پذیرفت. کارفرمای مرحب از این کار آگاه می شود و از روی حسادت مرحب را از کار اخراج می کند. مرحب که شغلی و درآمدی ندارد بر آن می شود تا از خاتون صرفنظر کرده آن منطقه را ترک کند. چند شبی بود که مرحب نیامده بود تا اینکه، شبی با بغچه‌ای در دست وارد خانه شد غافل از اینکه مردی در دوردست با چوب های زیر بغل روی ریل قطار، خانه را نگاه می‌کند این مرد مختار بود. مختار در حالی که پایش را از دست داده و با حالتی زار و مجنون باز می‌گردد؛ او که احساس می‌کند با این وضعیت روی بازگشتن به خانه را ندارد خود را آفتابی نمی‌کند و فقط در زیر پلی که مجاور خانه اوست به خانه‌اش نگاه می‌کند و از تغییراتی که رخ داده از جمله خرابی اصطبل ها موفق به تشخیص خانه نمی شود و عصری که مرحب می رود تا از خاتون خداحافظی کند مختار دید که مرد غریبه‌ای وارد خانه‌اش شد باورش نشد، مرحب دوچرخه اش را به علی داد نمی خواست دوچرخه را به غریبه بدهد پول دوچرخه را نصف کرد نیمی برای خودش و نیمی برای خاتون، مرحب با کوله بارش از خانه خاتون بیرون آمد و با مختار روبرو شد. صدایش کرد مرحب خیلی ترسیده بود اعتنایی نکرد و به سرعت دور شد و به قهوخانه مشیر رفت تا منتظر قطار بماند در این هنگام در قهوه خانه باز شد مختار بود. مختار از درد به خود می‌پیچید و می گفت مردی از خانه اش بیرون آمده است مختار پای رفتن به خانه را نداشت خجالت می‌کشید. مرحب داستان مختار را فهمیده، دچار عذاب وجدان شده بود تصمیم می گیرد تا به هر نحوی مراعات حال مختار بکند تا جایی که پالتویش را به او می‌بخشد. مرحب بی صبرانه منتظر رسیدن قطار است که خود را از این وضعیت رهایی بخشد و ماجرا لو نرود مشیر گفته بود نحسی مختار برکت را از قهوه خانه برده است. اما وقتی قطار می رسد مختار خود را زیر قطار انداخته و خود کشی می‌کند. مرحب پاهایش به

www.SID.ir

زمین چسپیده بود و با چشمانش خانه‌ای بی نور را نگاه می کرد که در دوردست ها در کنار ریل یکه و تنها بود.»(دولت آبادی، ۱۳۶۸: ۴۳۲-۳۱۱).

نقد رمان:

محمود دولت آبادی نویسنده پرکار معاصر رمان سفر را در سال ۱۳۴۵ نوشت، چاپ نخست این رمان در سال ۱۳۴۷ بود و در سال ۱۳۵۲ این رمان را بازنویسی کرد. به منظور شناخت بهتر این اثر به نحوی خطوط سیاسی- فرهنگی آن زمان را بیان می کنیم : سال ۱۳۴۱ ماشاهد دگرگونی هایی در ساختار اجتماعی- سیاسی و فرهنگی ایران هستیم، جنگ سرد بین دو ابر قدرت که بر سر تقسیم غنایم بعد از جنگ با هم رقابت داشتند از یک طرف و از طرف دیگر بحران اقتصادی ایران که تداوم آن سبب ایجاد مشکلات فراوانی برای حاکمیت وقت می‌شد. تورم، فقر عمومی، بیکاری و مهاجرت گسترده از روستا به شهر و فساد سیستم اداری از یک سو و افزایش بی رویه بودجه های نظامی و تسلیحاتی از سوی دیگر باعث شد تا از استواری نظام حاکم تا میزان زیادی کاسته شود. مبارزات رژیم شاهنشاهی به منظور نجات سلطنت منجر به ایجاد برنامه های شد که ساختار اجتماعی را تغییر دهد؛ اصلاحات ارضی بخشی از این برنامه ها را تشکیل می داد که به سلطه زمین داران خاتمه می داد و منجر به بروز آشفتگی های در روستا شده تا در نتیجه بسیاری از رعیت ها و کارگران فصلی روستا را ترک کرده و به حاشیه شهرهای بزرگ کوچ کنند این حرکت جان‌مایه بسیاری از داستان های دولت آبادی شده است. یکی از این داستان ها داستان سفر است که به قول همو در راس داستان های حاشیه شهری قرار دارد و محتوای آن سفر و مهاجرت است.(شهپر راد،۱۳۸۲: ۱۴-۱۰).

محمود دولت آبادی می گوید که «در کارش دو رگه وجود داشت که این دو رگه به غلبه یکی بر دیگری می انجامید. یکی رگه یا جریاناتی که موضوعشان عمدتاً مسائل روستایی بود و یکی رگه ای که موضوعاتش مربوط می شد به مسائل حول و حوش شهر و شهرنشینی.( چهل تن،۱۳۷۳: ۷۵).

داستان سفر داستان مهاجرت است، مهاجرت مردم ما از حومه شهرها به کویت، در همه داستان‌های دولت آبادی این مهاجرت دیده می شود که کاملترین شکل این مهاجرت در جای خالی سلوچ است.

www.SID.ir

نقد جامعه شناسی اولین وظیفه اش این است که محتوای رمان و ارتباطش را با زمینه های اجتماعی آن توصیف کند. که در این میان دو عنصر از اهمیت ویژه ای برخوردار است: یکی حوادث داستان و وقایع رمان و ارجاع آن به واقعیتی در اجتماع و دیگری شخصیت و شخصیت پردازی. در نقد این داستان نیز این دو شیوه مد نظر است.

## حوادث و کنش‌ها در داستان:

محور و ماجرای این داستان خانواده‌ی مختار است و داستان پیرامون خانواده مختار شکل می گیرد. خانواده ای که در نبود مرد خانه نظام خود را از دست می دهد و زن این خانه یعنی خاتون که طعمه دیگران می شود. با رفتن مرد خانه سر و کله مرد دیگری پیدا می‌شود یعنی مرحب که از همان آغاز دور و بر خاتون پرسه می‌زند و در نهایت خاتون را تسلیم خودش می‌کند.

طرح این داستان ریشه در داستان (زنی که مردش را گم می کند) از صادق هدایت دارد. البته در داستان صادق هدایت بعد از رفتن مرد، زن به دنبال مرد خودش می‌گردد اما در داستان دولت آبادی زن پس از اطلاع یافتن از شایعه دروغ در مرگ شوهرش دل به مرد دیگری(مرحب) می بندد و تسلیم او می‌شود که البته در متن داستان هیچ اشاره‌ای به دلایل این تسلیم نشده است که آیا بروز مشکلات مالی باعث این ماجرا شده و یا این که اصرار مادر خاتون که می‌خواهد خاتون دنبال شوهری باشد.

از صحبت‌های مادر خاتون بر می‌آید که بی بی به این خاطر اصرار می کند تا مردی مخارج زندگی شان را تأمین کند که البته دولت آبادی در این داستان داوری نمی‌کند و تنها ترسیم‌گر موقعیت‌هاست، بنابراین هیچ صحبتی ازدلایل تسلیم شدن خاتون در داستان نیست و رفتار زن خیلی طبیعی جلوه می‌کند.

ماجرای داستان در جامعه‌ای پر از ظلم و خشونت اتفاق می افتد. مشکلات اقتصادی، فقر و بیچارگی گویی باعث و بانی همه این مشکلات شده است و تغییر شغل استاد صفی که اولین جرقه این داستان است به این خاطر است که به قول همو«دیگه با این تراکتورها و خرمن کوب ها کی میاد از من و تو خیش و پره بخره! این چارتا گاری و درشکه هم که ته شهر دارند قل می خورند چار روز دیگه از بین میرن، زوالشون اومده»(دولت آبادی،۱۳۶۸: ۳۱۲).

Archive of SID

www.SID.ir

علت تغییر شغل در صحبت استاد صفی مشخص است که مدرنیزاسیون باعث شد تا زندگی آبا و اجدادی مردم از هم فرو بپاشد و فقر و ناداری آن ها را به هر سو بکشاند. از این روست که دولت آبادی به مدرنیسم روی خوش نشان نمی دهد و این تقابل سنت و مدرنیسم دست مایه اصلی داستان او شده است.

محمود دولت آبادی نویسنده‌ای مردمی است، در دل توده ها جای دارد و حکایات را به رشته تحریر در می‌آورد. سفر نیز داستان مردمان دردمند و افسرده و غریب را به تصویر می کشد. فضای سرد و عاری از روح داستان زندگی فرودستان را نشان می دهد. بنابراین داستان با کمترین بحران زندگی از هم گسیخته شخصیت ها را نشان می دهد. برای درک بهتر بحران زندگی شخصیت ها به شخصیت سازی داستان می پردازیم.

**شخصیت پردازی :**

یکی از ویژگی های شخصیت پردازی دولت آبادی وارد کردن تیپ ها در داستان برای ملموس کردن وقایع است و پرداختن به جزئیات رفتارها و شخصیت ها برای شناساندن شخصیت یکی دیگر از این ویژگی های شخصیت پردازی محمود دولت آبادی است. اگر برای کلیت داستان سفر شخصیتی قائل شویم این شخصیت نماینده توده مردم آواره است. مختار پدر و نماینده تمام صاحب خانه ها است که باید با توجه به وضعیت حاکم به هر دری بزند تا مخارج زندگی را تأمین کند حتی سفر به کویت که موجد آن شرایط حاکم بر اجتماع و جامعه کارگری است و بحران داستان نیز با رفتن مختار شروع می شود که با رفتن او کیان خانه متزلزل می شود چراکه ناامیدی و یاس، در وجود این مرد باعث شده بود تا هیچ گونه احساس هم‌بستگی و تعلقی، با همسرش نداشته باشد. این مسئله در تمام داستان های دولت آبادی حاکم است که با رفتن مرد خانه نظام خانه از هم می پاشد و از این جاست که خاتون که نماینده گروه زنان است، هویت او تنها در صورتی مشخص می‌شود که در کنار مرد باشد و به این خاطر است که هم در آغاز داستان از مختار می‌خواهد که همین جا بماند وکاری برایش پیدا می شود و هم در پایان داستان از مرحب می‌خواهد که او را ترک نکند. زندگی خاتون را می توان در متن به این گونه خلاصه کرد« زن، تنها در صورتی می تواند از زندگی آرام و بی دغدغه بهره مند شود که در کنار مرد خانه باشد و زیر سایه یک مرد روزگار بگذراند»(شهپر راد،۱۳۸۲: ۹۴).

Archive of SID

www.SID.ir

مرحب نماینده توده ای از مردم آواره است که تجددگرایی او را مدام به مهاجرت واداشته است. دولت آبادی درباره شخصیت مرحب چنین اظهار نظر می کند « در غرب سبکی به نام پیکاریسم هست. چون پیکاره شخصیتی آواره است. شخصیت مرحب در داستان سفر سمبل آوارگی توده مردم است وی می گوید موضوعی که من در سراسر زندگی بارها با آن مواجه شدم که بازتاب و ماحصلش تبدیل شده به نپذیرفتن و نماندن اما نه به آن شوخ طبعی پیکارسکی بلکه با اندوه نجمایی » (چهل تن،۱۳۷۳: ۷۵).

مرحب فردی است که از حیث خصوصیات اخلاقی کاملاً در نقطه مقابل مختار جای دارد با این وجود به نحوی شگفت انگیز موفق می شود تا جای مختار را بگیرد. هرچه مختار در پی موقعیت تثبیت شده است، مرحب بر خلاف او از ایستایی گریزان است، دمدمی مزاج، در پی کسب لذت های آنی و بازنمای نسل جوانی است که پس از ترک محیط روستا اکنون بی وقفه از گوشه ای به گوشه دیگر و از حرفه ای به حرفه دیگر در تواترند. آرزوهای مرحب آرزوهای تمامی آنانی است که به نحوی به او شباهت دارند و می توان آن را در عبارت زیر خلاصه کرد:گریز و فرار از تمامی قیود و بند ها در برابر والدین، زن، کار، حرفه و....(شهپرراد،۱۳۸۲: ۹۹).

شخصیت های دیگری در داستان نیز هست که گاهی حضوری کمرنگ و گاهی حضوری پر رنگ دارند که پرداختن به همه آنها در این مقال نمی گنجد.

داستان سفر که در راس داستان‌های حاشیه شهری دولت آبادی قرار دارد مورد انتقاد ناقدان قرار گرفته است که به این موضوع اشاره می‌شود.

## چارچوب کلی و نقد هایی که بر این داستان وارد شده است:

منتقدان بر این داستان دولت آبادی خرده گرفته اندکه بر خلاف دیگر داستان‌ها از طرح دستانی محکمی برخودار نیست و پیوندی محکمی میان بخش های مختلف داستان به چشم نمی خورد و مکان وقوع رخداد های داستان بی آنکه خواننده آگاهی داشته باشد تغییر می کند که از آن جمله می توان به شخصیت خاور که علیرغم سن کمش بعد از رفتن مختار ۱۲۰ خط بر روی دیوار می کشد و خیلی چیزهای دیگر را درک می کند. و یا خیانت خاتون که بعد از خبر شایعه مرگ شوهرش لباس عزا را از تن در می آورد « که در این جا راوی بی مقدمه و به نحوی ابتدا به ساکن صحنه روایت را تغییر می دهد و از مرحب که بیرون در کنار پنجره ایستاده است حرف می زند »(همان،۱۳۸۲: ۸۸).

Archive of SID
www.SID.ir

علاوه بر این در پایان داستن که معلوم نیست بعد از مرگ مختار مرحب که دچارعذاب وجدان شده بود، خاتون را ترک می کند ویا باز می گردد و سعی درجبران گذشته دارد.

صرف نظر از همه این موارد این داستان محصول فعل و انفعالاتی است که در در نتیجه اقدامات شاه در جامعه رخ می دهد، ورود مدرنیسم و مقابله با سنت، نظام خانواده را در هم ریخته است و این مشکلات را به وجود آورده است و جریان این داستان را می توان به طور کلی در یک جمله این چنین خلاصه کرد « مردی می رود ومرد دیگری جایگزین او می شود» (همان: ۱۰۱).

## نتیجه گیری :

محمود دولت آبادی نویسنده‌ی رئالیست و ایماژیست در این داستان با وارد شدن به بطن زندگی مردم واقعیت ها را با زبان ساده از زبان مردمان ساده دل و با ادبیاتی عامیانه ترسیم کرده و بدون هیچ گونه دخالتی در داستان داوری را بر عهده خود خواننده گذاشته است. و این داستان که در رأس داستان هایی است که در حاشیه شهر و شهرنشینی رخ می دهد نیز بیان کننده این واقعیت است که فضای حاکم بر جامعه روستایی وتزلزلی که در روستا ها ایجاد شده، باعث مهاجرت طبقه کارگر شده است – طبقه‌ای که شغل اصلی و آبا و اجدادی خود را از دست داده اند – و اکنون که در حاشیه شهر ساکن شده اند مسائل و مشکلات اقتصادی منجر به فروپاشی نظام مقدس خانواده شده است.

در واقع دولت آبادی با انتخاب سبک رئالیستی کلی‌ترین وعمیق ترین مسائل زندگی را در تجرید از مسائل جزئی وخرد و حاشیه ای به تصویر در می آورد. در متن این روایت، نه جزئیات زندگی و کار و کوششهای شخصی انسان، که سرنوشت کلی او در جهان و جامعه با وضوح و دقت ریز بینانه ای مورد بررسی قرار می‌گیرد و رمان « سفر» وی روایت دردمندانه سیر تباه شدگی یک خانواده حاشیه شهری است این داستان حکایت تنازع بقا و کشاکش انسانهایی است که در گیر و دار با یکدیگر و جزر و مد های زمانه گرفتار شده اند دورانی از تشدید تضاد طبقاتی و تفکیک جامعه در دو طیف فقیر و غنی، تقابل سنت و مدرنیته، بحران های اقتصادی، معیشتی، اجتماعی، فرهنگی وسیاسی، نابرابری و افزایش بیکاری، ناداری، فقر شدید، حاشیه نشینی، از بین رفتن ارزش های کیفی و کمی(دینداری و علم آموزی) و رواج انحرافات اخلاقی(دروغ‌گویی، چاپلوسی وخیانت)، خلاءهای عاطفی و روحی و روانی جامعه و احساس بی معنایی و بلاتکلیفی در فضای صنعتی شدن را به

Archive of SID
www.SID.ir

تصویر می کشد که بیکاران پشت درِکارخانجات منتظر کار بوده و کارگران با کارهایی سخت و طاقت فرسا امرار معاش می کنند. فضای جامعه ای غمگین که روح شادابی و سر زندگی در آن به نابودی کشیده شده است. صنایع سنتی هیچ مجالی برای ماندن در برابر کارخانجات صنعتی ندارند. بطورکلی تم اصلی رمان در سطح خرد، تصویری ازیک فرد آواره ایست که خودکشی وی ناشی از نوعی از خودبیگانگی، احساس پوچی، تنهایی، سرگشتگی و درماندگی و فقر، احساس بی هویتی اش نسبت به زندگی است اوفرزند زمانه ای است که رو به اضمحلال دارد و انزوا و سرانجام خودکشی وی تنها گریزگاه وی در چنین جامعه ایست و در سطح کلان جامعه ای آنومیک و آشفته ای را به تصویر می کشد که برای فرار از شرایط بحران اقتصادی، فقر و بیکاری در جامعه در حال گذار از وضعیت سنتی به مدرن ایران، زندگی، جان و شرف و ناموسش را فدا می کند. دولت‌آبادی به عنوان یک روشنفکر ناراضی و رادیکال مارکسیست طرفدار طبقات فرودست از تحول اوضاع ناامید می‌شود، بطوری که می‌گوید که درآن دوران جامعه ایران در حالت بن بست گونه ای قرار داشت و نظم کهنه اجتماعی و سیاسی به سر حد کهنگی و پوسیدگی رسیده بود؛ اما از آنجایی که نظم نو از پویایی و برندگی خاصی برخوردار نبود، در نهایت جامعه در حالت ضعف و انحطاط به حیات خود ادامه می داد. در واقع نظم نو به حالت خود، حاصل فرایند ادغام اقتصاد و فرهنگ جامعه در اقتصاد و فرهنگ جهانی بود. بنابراین امکان تشکیل دیکتاتوری پرولتاریا و حکومت کارگری وجود ندارد و بر همین اساس تمام راههایی که توسط مردم پیموده می‌شود به بیراهه ختم می‌شوند و به مقصد نمی‌رسند و به رهایی ملت ایران از چنگال استعمار و استثمار منتهی نمی‌گردند.

## منابع و مآخذ:


۱- ایوتادیه، ژان(۱۳۷۷) *جامعه شناسی ادبیات و بنیان گذاران آن*، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران، نشر نقش جهان.

۲- باختین، میخاییل(۱۳۸۰) *سودای مکالمه، خنده، آزادی*، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ اول ، تهران، نشر چشمه.


Archive of SID

www.SID.ir

۳- بوتور، میشل(۱۳۷۹) *جستارهای درباب رمان*، ترجمه سعید شهر تاش،، چاپ اول تهران، نشر سروش.
۴- چهل تن، امیرحسین وفریدون فریاد(۱۳۷۳) *ما نیز مردمی هستیم(گفتگو با محمود دولت آبادی)* ، چاپ اول ، تهران، نشر چشمه.
۵- دولت آبادی، محمود(۱۳۶۸) *کارنامه سپنج(مجموعه آثار)*، چاپ اول ،تهران، نشر بزرگمهر..
۶- –سعید، ادوارد (۱۳۷۷)*جهان، متن و منتقد*، ترجمه اکبر افسری، چاپ اول ، تهران، نشر توس.
۷- سلدن، رامان، ویدوسون پیتر (۱۳۷۷) *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم ، تهران، نشر طرح نو.
۸- شهپر راد، کتایون(۱۳۸۲) *رمان درخت هزار ریشه(بررسی آثار داستانی محمود دولت آبادی از اغاز تا کلیدر)*،ترجمه حسین آذین،چاپ اول ، تهران، انتشارات معین.
۹- علایی، مشیت (۱۳۸۰) *نقد ادبی و جامعه شناسی*، کتاب ماه و ادبیات و فلسفه، شماره ۱۰و ۱۱، سال چهارم، مرداد و شهریور.
۱۰- کریستوا، ژولیا(۱۳۸۱) *کلام، مکالمه و رمان*، ترجمه پیام یزدانجو، چاپ اول ، تهران، نشر مرکز.
۱۱- کوهلر، اریش(۱۳۷۷) *تزهای درباره جامعه شناسی ادبیات*، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ اول ، تهران، نقش جهان.
۱۲- کوندرا، میلان(۱۳۷۲) *هنر رمان*، ترجمه پرویز همایون پور، چاپ سوم ، تهران، نشر سروش.
۱۳- گلدمن، لوسین(۱۳۷۱) *جامعه شناسی ادبیات(دفاع از جامعه شناسی رمان)*، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ اول ، تهران، نشر هوش و ابتکار.
۱۴- لابیکا، ژرژ(۱۳۷۷) *شئ وارگی*، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ اول ، تهران، نشر نقش جهان.
۱۵- لوکاچ، جورج(۱۳۸۰)، *نظریه رمان*، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ اول ، تهران، نشر قصه.

Archive of SID
www.SID.ir

۱۶- لوکاچ، جورج(۱۳۷۳) *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، ترجمه اکبر افسری، چاپ اول ، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
۱۷- لوکاچ، جورج(۱۳۷۸) *تاریخ و آگاهی طبقاتی*، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ دوم ، تهران، نشر تجربه.
۱۸- لووی، میشل و سامی نعیر(۱۳۷۶) *مفاهیم اساسی در روش لوسین گلدمن*، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ اول ، تهران، نشر چشمه.
۱۹- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی،( ذوالقدر) (۱۳۷۷) *واژه نامه هنر داستان نویسی*، تهران، نشرکتاب مهناز.
۲۰- -ولک، رنه و آوستین وارن(۱۳۷۳) *نظریه ادبیات*، ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱- ولک، رنه (۱۳۷۷) *تاریخ نقد جدید*، ترجمه سعید ارباب شیروانی، چاپ اول ، تهران، نشر نیلوفر، جلد اول.

Archive of SID

www.SID.ir